



تفسیر «فهم القرآن الحکیم» در نگاهی گذرا

محمد بهرامی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده:

تفسیر «فهم القرآن الحکیم» اثر گرانسنگ محمد عابد جابری است. این تفسیر بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن در سه مجلد به زیور طبع آراسته شده است. در مجلد اول و دوم سوره‌های مکی و در مجلد سوم سوره‌های مدنی به تفسیر در آمده است. نویسنده در تفسیر هر سوره یک مقدمه، یک تحلیل و یک خاتمه می‌آورد. ترتیب سوره‌ها در نگاه جابری متفاوت از ترتیب مورد نظر مستشرقان و مصحف مورد اعتماد الازهر است.

سوره‌های مکی سوره‌هایی است که پیش از هجرت فرود آمده و سوره‌های مدنی سوره‌هایی است که پس از هجرت نازل شده است. صحیفه‌ها، اسباب نزول، آیات، حجم و اسلوب آیات، رخدادهای عصر نزول، روایات، نوع خطاب و ... از عواملی است که نویسنده فهم القرآن برای شناسایی سوره‌های مکی و مدنی به کار می‌برد.

کلید واژه‌ها:

جابری / ترتیب نزول / فهم القرآن / تفسیر فهم القرآن

پیش‌گفتار

محمد عابد جابری (۱۹۳۵-۲۰۱۰م) فیلسوف و متفکر برجسته جهان عرب آثار بسیاری به جهان علم و اندیشه عرضه داشت. برخی از آثار مهم او عبارت‌اند از: العصبية و الدولة، اضواء علی مشکل التعليم بالمغرب، مدخل الی فلسفة العلوم، من

اجل روية تقدمية لبعض مشكلاتنا الفكرية و التربوية، نحن و التراث، الخطاب العربي المعاصر، تكوين العقل العربي، بنية العقل العربي، السياسات التعليمية في المغرب العربي، اشكاليات الفكر العربي المعاصر، التراث و الحدائث، مقدمة لتقد العقل العربي، مسألة الهوية العروبه و الاسلام و

افزون بر آثار یاد شده، دو اثر قرآنی نیز از جابری بر جای مانده است. نخستین اثر در دانش‌های قرآنی با نام «المدخل الى القرآن الحکیم» و دومی در تفسیر قرآن با عنوان «فهم القرآن الحکیم».

معرفی تفسیر «فهم القرآن الحکیم»

تفسیر جابری با عنوان «فهم القرآن الحکیم» در سه مجلد از سوی مرکز دراسات الوحدة العربيه به زیور طبع آراسته شده است. در مجلد اول و دوم سوره‌های مکی به تفسیر گرفته شده و در مجلد سوم تفسیر سوره‌های مدنی آمده است.

در مجلد نخست ۵۲ سوره مکی ناظر به سه مرحله نشان داده شده است. بیست و هفت سوره (علق، مدثر، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، شرح، عصر، عادیات، کوثر، نکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، اخلاص، فاتحه، رحمن، نجم، عبس، شمس، بروج، تین، قریش) ناظر به مرحله نبوت، ربوبیت و الوهیت، ده سوره (قارعه، زلزله، قیامه، همزه، مرسلات، ق، بلد، قلم، طارق، قمر) ناظر به مرحله بعث، جزا و مشاهده قیامت و پانزده سوره (ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، یونس، هود، یوسف) ناظر به مرحله ابطال شرک و مذمت بت‌پرستی می‌باشد.

در مجلد دوم سی و هشت سوره مکی به تفسیر درآمده است. در این مجلد سوره‌های یاد شده در سه مرحله دسته بندی شده است: دسته نخست سوره‌هایی که ارتباط با قبایل را مطرح می‌کند. دسته دوم سوره‌هایی که ناظر به محاصره پیامبر در شعب ابی طالب و هجرت به حبشه است و گروه سوم سوره‌هایی که درباره هجرت به مدینه است.



در مجلد سوم بیست و چهار سوره به عنوان سوره‌های مدنی معرفی شده است. در تفسیر هر یک از سوره‌ها، نخست مراحل مختلف دعوت پیامبر بیان شده و آن گاه آیات سوره به تفسیر در آمده است. از آیات برای فهم مراحل سیر دعوت پیامبر و از دعوت پیامبر برای فهم و درک آیات سود برده شده است. به باور جابری، پیامبر پس از هجرت یازده فراز تاریخی را پشت سر نهاد و مناسب با هر فراز، آیاتی از قرآن بر او فرود آمد.

روش شناسی جابری در تفسیر هر مرحله

مراحل سوره‌های مکی در سه قسمت به تفسیر در آمده است. در قسمت نخست که با عنوان «استهلال» آمده، بیشتر خصوصیات کلی سوره، موضوعات و محورهای آن مورد بحث قرار گرفته و تفاوت مراحل مختلف توصیف و تبیین شده است. در قسمت دوم، تفسیر هر یک از سوره‌ها دنبال شده و نویسنده به صورت بسیار کوتاه قسمت‌هایی از سوره را توضیح می‌دهد و در قسمت سوم که عنوان «استطرد» و «استشراف» گرفته، محورهای اصلی هر یک از مراحل به صورت مفصل به بحث و بررسی آمده است.

برای نمونه در بحث استهلال سوره‌های مرحله نخست، کاربرد واژه «رب» در بسیاری از سوره‌های این مجموعه را مورد توجه قرار می‌دهد:

﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق/۱)؛ ﴿وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ﴾ (مدثر/۳)؛ ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ (اعلیٰ/۱)؛ ﴿إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾ (لیل/۲۰)؛ ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ (فیل/۱)؛ ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَلَمْرُضَادٌ﴾ (فجر/۱۴)؛ ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ (ضحیٰ/۳).

او از کاربرد یاد شده اهمیت بیشتر ربوبیت در بیست و یک سوره نخست مرحله اول را نتیجه می‌گیرد و اهمیت الوهیت را پس از کاربرد کلمه «الله» در سوره اخلاص به عنوان بیست و دومین سوره مرحله نخست می‌داند و رحمانیت باری تعالی را محور سوم مرحله نخست سوره‌های مکی معرفی می‌کند. (۲۳/۱)

در بحث استطرد و استشراف، به بحث در مورد رب، الله، رحمن و رحیم به عنوان محورهای اصلی سوره یکم تا بیست و هفتم سوره‌های مکی می‌پردازد.

نویسنده فهم القرآن در سه مجلد تفسیر خویش، بیست و چهار موضوع را در قسمت تعلیق و استطراد یاد کرده است.

در مجلد اول ده موضوع: ۱. سحر در تفسیر سوره فلق ۲. وسواس در تفسیر سوره ناس ۳. اصحاب اخدود در تفسیر سوره بروج ۴. رب، الله و رحمان در تفسیر سوره قریش ۵. رؤیت خدا در قیامت در تفسیر سوره قیامه ۶. حروف مقطعه در تفسیر سوره ق ۷. جنت و نار در تفسیر سوره قمر ۸. جن و شیطان در تفسیر سوره جن ۹. عباد الله و عباد الرحمن در تفسیر سوره فرقان ۱۰. توحید، اصنام و تصویر در قسمت پایانی مجلد اول.

در مجلد دوم هفت موضوع: ۱. رؤیت، کلام و خلق قرآن در تفسیر سوره شوری ۲. ارواح و عذاب قبر در تفسیر سوره نازعات ۳. امکان حشر و عذاب قبر در تفسیر سوره انفطار ۴. خلود و حشر چهار پایان و تناسخ در تفسیر سوره انشقاق ۵. روح در تفسیر سوره اسراء ۶. رؤیت در تفسیر سوره مطففین ۷. هجرت به مدینه در تفسیر سوره حج.

در مجلد سوم نیز این موضوعات به بحث گذاشته شده است: ۱. نسخ در قرآن در تفسیر سوره بقره ۲. محکم و متشابه در تفسیر سوره آل عمران ۳. همسران پیامبر در تفسیر سوره احزاب ۴. ازدواج موقت در تفسیر سوره نساء ۵. قصه افک در تفسیر سوره نور ۶. اخبار از منافقان در تفسیر سوره منافقون ۷. اسباب نزول و مثال تحریم خمر در تفسیر سوره مائده.

پیشینه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش‌شناسی تفسیر هر سوره

در نگاه جابری هر سوره قرآن - به جز چند سوره کوتاه - از یک مقدمه، یک تحلیل یا تفصیل و یک خاتمه شکل گرفته است. بر این اساس او هر سوره قرآن را یک مجموعه به هم پیوسته می‌داند و وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی یا آیات مدنی در سوره‌های مکی را بر نمی‌تابد.

بر این اساس در تفسیر هر سوره نخست مقدمه سوره را بیان می‌کند، در مرحله بعد آیاتی که تحلیل مقدمه یا تفصیل مقدمه شناخته می‌شود به بحث گذارده



می‌شود و در آخرین مرحله، خاتمه سوره را بیان می‌دارد. برای نمونه در تفسیر سوره طلاق آیه نخست این سوره را به عنوان مقدمه سوره معرفی می‌کند. از آیه دوم تا یازدهم را به عنوان تحلیل و تفصیل مقدمه می‌خواند و آخرین آیه سوره طلاق را خاتمه می‌نامد.

به باور جابری قسمت‌های مختلف سوره که او از آن به عنوان فقره یاد می‌کند، با یکدیگر در ارتباط هستند. برای نمونه سوره جمعه را به سه فقره تقسیم می‌کند. فقره نخست که مقدمه خوانده شده، از آیه اول تا چهارم، فقره دوم از آیه پنجم تا هشتم و فقره سوم که خاتمه معرفی شده، از آیه نهم تا یازدهم. (۳۴۱/۳)

هم ایشان مقدمه سوره را چکیده مضمون سوره می‌داند، اما در تفسیر سوره نور چنین نقشی برای مقدمه معتقد نیست و چنان که خود او می‌گوید، مقدمه این سوره با دیگر مقدمات فرق دارد. در این سوره مقدمه در تعریف خود سوره است، نه بیان موضوعات سوره. (۲۹۶/۳)

بر این اساس ادعا می‌کند وقتی تحلیل، تفصیل و خاتمه سوره حدید مدنی است، مقدمه سوره نیز مدنی خواهد بود و اگر کسی ادعا کند که صدر این سوره مکی است، باید ذیل سوره را نیز مکی بخواند، در صورتی که آنان که صدر سوره را مکی می‌خوانند، ذیل سوره را مکی نمی‌بینند.

بخش‌های مهم یک سوره عبارت‌اند از:

۱. مقدمه: در این قسمت موضوعات گوناگونی چون وجه تسمیه سوره، سبب نزول، مکان نزول، زمان نزول و مباحث اصلی سوره به بحث گذاشته شده است. این قسمت در بیشتر سوره‌ها کوتاه و فشرده است و مقدمه سوره‌های مکی در مقایسه با سوره‌های مدنی طولانی‌تر است. برای نمونه سوره مدثر در حدود سه صفحه مقدمه دارد، اما سوره بقره با ۲۸۶ آیه تنها دارای یک صفحه مقدمه است.

۲. نص السوره: در این قسمت یک رویه واحد دیده نمی‌شود. برخی سوره‌ها بدون دسته بندی آمده است؛ مانند سوره مسد و مدثر. شماری دسته بندی شده؛ چون سوره تکویر و اعلی. و تعدادی افزون بر دسته بندی، مقدمه و خاتمه دارد، به گونه‌ای که دسته نخست به عنوان مقدمه و دسته آخر به عنوان خاتمه معرفی شده

است. برای نمونه آیات سوره الرحمن به هفت گروه تقسیم شده است. دسته نخست (آیات ۱-۴) به عنوان مقدمه و آخرین آیه سوره به عنوان خاتمه نمایانده شده است. سوره نجم نیز به پنج گروه تقسیم شده که دسته نخست مقدمه معرفی شده و دسته آخر خاتمه.

در خور توجه آنکه جابری برای هیچ یک از بیست سوره نخست مرحله اول، مقدمه و خاتمه ذکر نمی‌کند و تنها سوره‌ای که برای آن مقدمه و خاتمه می‌آورد، سوره الرحمن است که در ترتیب مورد نظر جابری سوره بیست و یکم قرار گرفته است.

۳. **تعلیق:** در این قسمت جابری، مقدمه سوره و موضوعات و مباحث مهم سوره را به بحث می‌گیرد.

۴. **استطراد:** این عنوان در تفسیر تمامی سوره‌های قرآن وجود ندارد، بلکه تنها در تفسیر برخی سوره‌ها دیده می‌شود. برای نمونه در تفسیر سوره منافقون بحث بزرگان منافقان، منافقان مدینه، منافقان یهود و طرد منافقان از مسجد ذیل عنوان استطراد آمده است. (۳۰۵/۳-۳۱۲)

در نگاه جابری، سوره‌های مکی سه دسته مخاطب دارد: پیامبر، مشرکان و مسلمانان. مخاطب اصلی سوره‌های مکی پیامبر و مشرکان هستند و تمیز میان سه دسته خطاب امکان پذیر است. ولی سوره‌های مدنی بر خلاف سوره‌های مکی تنها یک مرحله دارد، اما مخاطبان آن بسیارند: پیامبر، یهود، نصارا، منافقان، اعراب، مؤمنان، زنان و ...

فهم قرآن

جابری قرآن را فراتر از زمان و مکان، فهم قرآن را بسیار پراهمیت و مخاطبان قرآن را نیازمند فهم جدید می‌داند (۱۰/۱). به باور او فهم قرآن به معنای جدا سازی نص قرآن از تفاسیر مختلف و متفاوت و ایجاد ارتباط میان عصر جدید و اصالت نص^۱ است.

نویسنده «فهم القرآن» تفسیرگران قرآن را گرفتار زیاده‌گویی و تکرار می‌بیند. به باور او فاعل فهم تنها به تعدادی از تفاسیر چون «جامع البیان» طبری و «کشاف»



زمخشری و چند اثر لغوی مانند «معانی القرآن» و «مجاز القرآن» نیازمند است، نه همه تفاسیر قرآن. (۱۱/۱)

اهمیت تفسیر بر اساس نزول

محمد جابری درباره اهمیت تفسیر بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها می‌نویسد:
«از انس و الفت دائمی با تفاسیر قرآن به ضرورت تهیه تفسیری که از تفاسیر قرآن بهره برده باشد و استوار بر ترتیب نزول سوره‌ها انجام گرفته باشد رسیدم.» (۱۳/۱)

جابری بحث نزول سوره را بسیار پراهمیت می‌بیند و دانستن ترتیب نزول را در فهم قرآن بسیار تأثیر گذار می‌خواند (۱۳/۱). او در آغاز هر سوره، مکی یا مدنی بودن سوره، سال نزول و جایگاه سوره در میان سوره‌های قرآن را به بحث نشسته و نظریه مخالفان را به نقد و سنجش می‌گیرد.

برای نمونه سوره بقره را نخستین سوره مدنی می‌داند و نظریه آنان که سوره مطففین و قدر را نخستین سوره می‌شناسند به نقد می‌گیرد.

در نگاه جابری، قرآن پژوهان و تفسیر گران بر مدنی بودن سوره بقره اتفاق دارند و اختلاف ایشان بیشتر در سال نزول این سوره است. برخی مانند قرطبی سرآغاز نزول این سوره را اواخر سال دوم هجری می‌دانند و آیه ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۸۱) را آخرین آیه نازل شده معرفی می‌کنند، و شماری شروع نزول این سوره را اوایل سال اول و برخی اواخر سال اول هجرت می‌دانند.

جابری بر این باور است که سوره‌های مکی وحدت نزول دارند؛ به این معنا که یک دفعه فرود می‌آمده است، اما سوره‌های مدنی وحدت نزول ندارند. او پس از یادکرد نظریات مختلف در باب نزول سوره بقره و اینکه در مدت زمان نزول این سوره اختلاف است، به این نتیجه می‌رسد که این نظریات بحث وحدت سور مدنی را مردود نشان می‌دهد. اما سور مکی همگی وحدت در نزول دارند. (۳۹/۱)

ترتیب نزول سوره‌ها

صحابه، تابعین و قرآن شناسان بسیاری سوره‌های قرآن را بر اساس نزول مرتب ساخته‌اند. در مصحف پذیرفته شده الازهر ترتیب سوره‌ها این گونه آمده است:

۱. علق ۲. قلم ۳. مزمل ۴. مدثر ۵. فاتحه ۶. مسد ۷. تکویر ۸. اعلیٰ ۹. لیل ۱۰. فجر ۱۱.
- ضحیٰ ۱۲. شرح ۱۳. عصر ۱۴. عادیات ۱۵. کوثر ۱۶. تکاثر ۱۷. ماعون ۱۸. کافرون
۱۹. فیل ۲۰. فلق ۲۱. ناس ۲۲. اخلاص ۲۳. نجم ۲۴. عبس ۲۵. قدر ۲۶. شمس ۲۷.
- بروج ۲۸. تین ۲۹. قریش ۳۰. قارعه ۳۱. قیامه ۳۲. همزه ۳۳. مرسلات ۳۴. ق ۳۵.
- بلد ۳۶. طارق ۳۷. قمر ۳۸. ص ۳۹. اعراف ۴۰. جن ۴۱. یس ۴۲. فرقان ۴۳. فاطر
۴۴. مریم ۴۵. طه ۴۶. واقعه ۴۷. شعراء ۴۸. نمل ۴۹. قصص ۵۰. اسراء ۵۱. یونس
۵۲. هود ۵۳. یوسف ۵۴. حجر ۵۵. انعام ۵۶. صافات ۵۷. لقمان ۵۸. سبأ ۵۹. زمر
۶۰. غافر ۶۱. فصلت ۶۲. شوری ۶۳. زخرف ۶۴. دخان ۶۵. جائیه ۶۶. احقاف ۶۷.
- ذاریات ۶۸. غاشیہ ۶۹. کهف ۷۰. نحل ۷۱. نوح ۷۲. ابراهیم ۷۳. انبیاء ۷۴. مؤمنون
۷۵. سجدہ ۷۶. طور ۷۷. ملک ۷۸. حاقه ۷۹. معارج ۸۰. نبأ ۸۱. نازعات ۸۲. انفطار
۸۳. انشقاق ۸۴. روم ۸۵. عنکبوت ۸۶. مطففین ۸۷. بقره ۸۸. انفال ۸۹. آل عمران
۹۰. احزاب ۹۱. ممتحنه ۹۲. نساء ۹۳. زلزله ۹۴. حدید ۹۵. محمد ۹۶. رعد ۹۷.
- رحمن ۹۸. انسان ۹۹. طلاق ۹۹. بیّنه ۱۰۱. حشر ۱۰۲. نور ۱۰۳. حج ۱۰۴. منافقون
۱۰۵. مجادله ۱۰۶. حجرات ۱۰۷. تحریم ۱۰۸. تغابن ۱۰۹. صف ۱۱۰. جمعه ۱۱۱.
- فتح ۱۱۲. مائده ۱۱۳. توبه ۱۱۴. نصر.

تئودور نولدکه و بلاشر ترتیب سوره‌ها را به گونه‌ای دیگر آورده‌اند. به باور ایشان اشاراتی که در برخی سوره‌ها به وقایع تاریخی شده و همچنین اسلوب شماری از سوره‌ها، در تعیین زمان نزول آیه بسیار تأثیرگذار است. در نگاه نولدکه و بلاشر سوره علق دو بار نازل شده است؛ یک بار به عنوان اولین سوره و یک دفعه به عنوان سی و دومین سوره. چنان که سوره مدثر نیز دو مرتبه فرود آمده است؛ یک دفعه به عنوان دومین سوره و مرتبه دوم به عنوان سی و هفتمین سوره. نولدکه و بلاشر ترتیب سوره‌ها بر اساس نزول را این گونه آورده‌اند:



۱. علق ۲. مدثر ۳. قریش ۴. ضحی ۵. شرح ۶. عصر ۷. شمس ۸. ماعون ۹.
- طارق ۱۰. تین ۱۱. زلزله ۱۲. قارعه ۱۳. عادیات ۱۴. لیل ۱۵. انفطار ۱۶. اعلی ۱۷.
- عبس ۱۸. تکویر ۱۹. انشقاق ۲۰. نازعات ۲۱. غاشیه ۲۲. طور ۲۳. واقعه ۲۴. حاقه
۲۵. مرسلات ۲۶. نبأ ۲۷. قیامه ۲۸. رحمن ۲۹. قدر ۳۰. نجم ۳۱. تکاثر ۳۲. علق
- (نزول دوم) ۳۳. معارج ۳۴. مزمل ۳۵. انسان ۳۶. مطفین ۳۷. مدثر (نزول دوم) ۳۸.
- مسد ۳۹. کوثر ۴۰. همزه ۴۱. بلد ۴۲. فیل ۴۳. فجر ۴۴. بروج ۴۵. اخلاص ۴۶.
- کافرون ۴۷. فاتحه ۴۸. فلق ۴۹. ناس ۵۰. ذاریات ۵۱. قمر ۵۲. قلم ۵۳. صفات ۵۴.
- نوح ۵۵. دخان ۵۶. ق ۵۷. طه ۵۸. شعراء ۵۹. حجر ۶۰. مریم ۶۱. ص ۶۲. یس ۶۳.
- زخرف ۶۴. جن ۶۵. ملک ۶۶. مؤمنون ۶۷. انبیاء ۶۸. فرقان ۶۹. نمل ۷۰. کهف ۷۱.
- سجده ۷۲. فصلت ۷۳. جائیه ۷۴. اسراء ۷۵. نحل ۷۶. روم ۷۷. هود ۷۸. ابراهیم ۷۹.
- یوسف ۸۰. غافر ۸۱. قصص ۸۲. زمر ۸۳. عنکبوت ۸۴. لقمان ۸۵. شوری ۸۶.
- یونس ۸۷. سبأ ۸۸. فاطر ۸۹. اعراف ۹۰. احقاف ۹۱. انعام ۹۲. رعد ۹۳. بقره ۹۴.
- بیّنہ ۹۵. تغابن ۹۶. جمعه ۹۷. انفال ۹۸. محمد ۹۹. آل عمران ۱۰۰. صف ۱۰۱.
- حدید ۱۰۲. نساء ۱۰۳. طلاق ۱۰۴. حشر ۱۰۵. احزاب ۱۰۶. منافقون ۱۰۷. نور
۱۰۸. مجادله ۱۰۹. حج ۱۱۰. فتح ۱۱۱. تحریم ۱۱۲. ممتحنه ۱۱۳. نصر ۱۱۴.
- حجرات ۱۱۵. توبه ۱۱۶. مائده.

جابری ترتیب یاد شده را جدید نمی‌شناسد. به باور، او ترتیب برآمده از روایت ابن عباس همخوانی بیشتری با مراحل دعوت پیامبر دارد تا ترتیب مورد نظر نولدکه و بلاشر.

هم ایشان شناخت ترتیب نزول سوره‌ها به خصوص در باب تشریح و برخی از دانش‌های قرآنی مانند ناسخ و منسوخ را ضروری می‌خواند. در نگاه جابری، دقت و سنجش روایات بیانگر ترتیب نزول سوره‌ها ضروری است و اعتماد بی‌حد و حصر به این گونه روایات شایسته نیست.

نویسنده فهم القرآن تغییر در ترتیب سوره‌های قرآن را مشروط به هدفمندی و نتیجه دار بودن آن مقبول و معقول می‌شناسد. وی شناخت همخوانی مسیر دعوت و مراحل نزول و فهم استوار بر سیره را هدف خویش از دوباره مرتب سازی

سوره‌های قرآن معرفی می‌کند و بر این اساس تغییر در ترتیب متعارف قرآن را معقول و مقبول معرفی می‌کند. (مدخل الی القرآن/۲۴۴-۲۴۵)
 ترتیب سوره‌های قرآن در نگاه جابری عبارت است از:

سوره	آیات	سوره	آیات	سوره	آیات	سوره	آیات	سوره	آیات
۱	علق	۲۴	شمس	۴۵	طه	۶۸	غاشیه	۹۱	بقره
۲	مدثر	۲۵	بروج	۴۶	واقعه	۶۹	انسان	۹۲	قدر
۳	مسد	۲۶	تین	۴۷	شعرا	۷۰	کهف	۹۳	انفال
۴	تکویر	۲۷	قریش	۴۸	نمل	۷۱	نحل	۹۴	آل عمران
۵	اعلی	۲۸	قارعه	۴۹	قصص	۷۲	ابراهیم	۹۵	احزاب
۶	لیل	۲۹	زلزله	۵۰	یونس	۷۳	انبیاء	۹۶	ممتحنه
۷	فجر	۳۰	قیامه	۵۱	هود	۷۴	مؤمنون	۹۷	نساء
۸	ضحی	۳۱	همزه	۵۲	یوسف	۷۵	سجده	۹۸	حدید
۹	شرح	۳۲	مرسلات	۵۳	حجر	۷۶	طور	۹۹	محمد
۱۰	عصر	۳۳	ق	۵۴	انعام	۷۷	ملک	۱۰۰	طلاق
۱۱	عادیات	۳۴	بلد (نزول دوم)	۵۵	صافات	۷۸	حاقه	۱۰۱	بینه
۱۲	کوثر	۳۴	علق (نزول دوم)	۵۶	لقمان	۷۹	معارج	۱۰۲	حشر
۱۳	تکاتر	۳۴	مدثر (نزول دوم)	۵۷	سبا	۸۰	نباء	۱۰۳	نور
۱۴	ماعون	۳۵	قلم	۵۸	زمر	۸۱	نازعات	۱۰۴	مناقون
۱۵	کافرون	۳۶	طارق	۵۹	غافر	۸۲	انفطار	۱۰۵	مجادله
۱۶	فیل	۳۷	قمر	۶۰	فصلت	۸۳	انشقاق	۱۰۶	حجرات
۱۷	فلق	۳۸	ص	۶۱	شوری	۸۴	مزل	۱۰۷	تحریم
۱۸	ناس	۳۹	اعراف	۶۲	زحرف	۸۵	رعد	۱۰۸	تغابن
۱۹	اخلاص	۴۰	جن	۶۳	دخان	۸۶	اسراء	۱۰۹	صف
۲۰	فاتحه	۴۱	یس	۶۴	جاثیه	۸۷	روم	۱۱۰	جمعه
۲۱	رحمن	۴۲	فرقان	۶۵	احقاف	۸۸	عنکبوت	۱۱۱	فتح
۲۲	نجم	۴۳	فاطر	۶۶	نوح	۸۹	مطففین	۱۱۲	مائده
۲۳	عبس	۴۴	مریم	۶۷	ذاریات	۹۰	حج	۱۱۳	توبه
								۱۱۴	نصر

جابری بر خلاف نولدکه و بلاشر، سوره علق و مدثر را سوره سی و پنجم و سی و ششم قرار می‌دهد، نه سی و دوم و سی و هفتم.



سوره مکی و مدنی

شمار بسیاری از تفسیر گران و قرآن پژوهان سوره‌های مکی و مدنی را به تعریف نشسته‌اند. برخی سوره مکی را سوره‌ای می‌شناسند که در مکه نازل شده و سوره مدنی را سوره‌ای می‌دانند که در مدینه نازل شده است. عده‌ای دیگر سوره مکی را سوره‌ای معرفی می‌کنند که با «یا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده است و سوره مدنی را سوره‌ای می‌خوانند که با «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده است.

در برابر این دو گروه، برخی سوره مکی را سوره‌ای می‌بینند که پیش از هجرت نازل شده و سوره مدنی را سوره‌ای می‌خوانند که پس از هجرت فرود آمده است. جابری از میان تعاریف یاد شده، تعریف سومی را انتخاب کرده است: «سوره‌های مدنی سوره‌هایی هستند که پس از هجرت نازل شده‌اند، اعم از اینکه در مدینه یا بیرون مدینه نازل شده باشند، و سوره‌های مکی سوره‌هایی هستند که پیش از هجرت نازل شده، اعم از اینکه در مکه نازل شده باشد یا بیرون مکه.» (۳۵/۳) به باور جابری، اختلاف شدیدی میان مفسران و قرآن پژوهان در تعیین سوره‌های مکی و مدنی وجود دارد. چه بسیار سوره‌هایی که برخی مدنی می‌شناسند و شماری دیگر مکی و چه بسیار سوره‌هایی که عده‌ای مکی و گروهی دیگر مدنی می‌خوانند.

اختلاف میان تفسیر نویسان نه تنها در شناسایی سوره‌های مکی یا مدنی، بلکه در تعیین آیات مکی و مدنی نیز وجود دارد. آیات بسیاری که مدنی شناخته می‌شود، در سوره‌های مکی وجود دارد و آیات کمتری که مکی نامیده می‌شود، در سوره مدنی جای گرفته است. در تعیین آیات مکی و مدنی نیز میان تفسیرگران و قرآن نویسان اختلاف است. برخی تمامی آیات سوره‌های مکی را مکی و تمامی آیات سوره‌های مدنی را مدنی می‌شناسند.

در نظرگاه جابری هر سوره‌ای که مکی شناخته شود، تمامی آیاتش مکی خواهد بود و هر سوره‌ای که مدنی دانسته شود، تمامی آیاتش مدنی خواهد بود و آنان که برخی آیات سوره‌های مکی را مدنی و شماری از آیات سوره‌های مدنی را مکی می‌شناسند، به حدس و گمان چنین ادعایی دارند. (۳۶/۳)

جابری در کتاب «مدخل الی القرآن الکریم» به معیارهای شناخت سوره‌های مکی و مدنی اشاره دارد. او یکی از ملاک‌های دانشمندان علوم قرآن را عبارت «یا أیها الذین آمنوا» برای شناسایی سوره‌های مدنی و عبارت «یا أیها الناس» برای شناخت سوره‌های مکی معرفی می‌کند.

معیار یاد شده در تفسیر جابری به نقد گذاشته شده است، آنجا که جابری در نقد دیدگاه کسانی که آیه «یا أیها الناس اتقوا ربکم...» را به استناد عبارت «یا أیها الناس» مکی معرفی می‌کنند؛

«اینکه گفته شده هر سوره‌ای که در سرآغاز آن «یا أیها الناس» است مکی و هر سوره‌ای که در آغاز آن «یا أیها الذین آمنوا» آمده مدنی است، یک قاعده کلی و عام نیست، چه اینکه کلمه «ناس» افاده عموم می‌کند.» (۲۰۹/۳)

او بر اساس این باور «الناس» در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۲۱) را مشرکان معرفی می‌کند و دلیل این ادعا را دعوت مشرکان به تحدی - ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۲۳) - می‌داند. (۴۱/۳)

در نگاه جابری نود سوره از سوره‌های قرآنی مکی است که در مجلد اول و دوم «فهم القرآن الکریم» به تفسیر گذاشته می‌شود و بیست و چهار سوره مدنی است که در مجلد سوم کتاب طرح می‌شود. (۳۶/۳)

معیارها و ملاک‌های ترتیب سوره‌های قرآن

جابری ملاک‌هایی برای مرتب‌سازی سوره‌های قرآن عرضه می‌دارد.

معیار نخست: تمییز میان سوره‌های مکی و مدنی

جابری از قرار دادن برخی سوره‌ها در شمار سور مکی ابا ندارد، هر چند این گونه سوره‌ها در ترتیب معتبر جزء سوره‌های مدنی آمده باشد. به باور او در شناسایی سور مکی و مدنی باید به مضمون و اسلوب آنها توجه داشت، بنابراین اگر مضمون و اسلوب سوره‌ای سازگار با مکی بودن سوره باشد یا دلایلی بر مکی



بودن سوره وجود داشت، باید سوره مورد نظر را در شمار سور مکی قرار داد، هر چند در ترتیب معتبر جزء سوره‌های مدنی آمده باشد.

جابری مراحل نزول قرآن مکی را این گونه تقسیم می‌کند:

الف) دعوت پنهانی که سه سال به درازا کشید. در این مرحله آیات خطاب به پیامبر است و تأکید بر بعث، حساب، وعد و وعید و صحنه‌های قیامت است.

ب) آغاز تعرض به بت‌ها و درگیری با قریش

ج) تعرض به بت‌ها و اذیت و آزارهای قریش

د) محاصره پیامبر و مسلمانان در شعب ابی طالب

ه) برجیده شدن حلقه محاصره و دعوت عمومی مردم به اسلام

نویسنده فهم القرآن جدا سازی مراحل یاد شده را در راستای مرتب سازی سوره‌های مکی ضروری و در عین حال بسیار سخت می‌خواند. (مدخل الی القرآن، ۲۵۴/)

معیار دوم: سیره نبوی

سوره‌های قرآن به دو گروه تقسیم می‌شوند: شماری تنها به یک فراز از دعوت پیامبر اشاره دارد و تعدادی دو فراز را مورد توجه قرار داده است. برای نمونه سوره علق از دو قسمت متمایز شکل گرفته است. قسمت نخست آن که پنج آیه نخست سوره را تشکیل می‌دهد، به مرحله نخست دعوت اشاره دارد و قسمت دوم ناظر به مراحل بعدی است. سوره مدثر و قلم نیز به دو فراز متفاوت از مراحل دعوت پیامبر اشاره دارد که فاصله میان این دو فراز گاه به چند سال نیز می‌رسد.

معیار شناخت جایگاه سوره‌ها

جابری در مرتب سازی سوره‌های قرآن از چندین ملاک و معیار بهره می‌برد:

الف) صحیفه‌ها

یکی از منابع نویسنده «فهم القرآن الحکیم» در مرتب سازی سوره‌های قرآن، صحیفه‌های برجای مانده از پیشینیان است. برای نمونه جایگاه «معوذتین» در میان سوره‌های قرآن بر اساس الواح تعیین شده است.

استناد جابری به الواح به معنای اعتبار مطلق و بی قید و شرط الواح نیست، چه اینکه در مواردی نویسنده چینش آیات را متفاوت از الواح قرار می‌دهد. برای نمونه سوره مدثر را دومین سوره قرآن قرار می‌دهد، در حالی که در الواح برجای مانده سوره قلم دومین سوره معرفی شده است.

ب) اسباب نزول

اسباب نزول در تفسیر فهم القرآن نقش بسیار برجسته‌ای در تعیین جایگاه سوره‌ها دارد.

نمونه نخست: سوره مسد به استناد سه سبب نزول در شمار سوره‌های مرحله نخست مکی و از جهت نزول در جایگاه سوم قرار گرفته است.

نمونه دوم: سوره فاطر به استناد اسباب نزول در ردیف سوره‌هایی قرار می‌گیرد که در سال پنجم فرود آمده است.

بر اساس سبب نزول آیه ﴿أَقَمَنُ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (فاطر/۸)، آیه در مورد اسلام آوردن عمر است و از آن جهت که عمر در سال پنجم اسلام آورده است، بنابراین سوره فاطر در سال پنجم نازل شده است. (۲۸۰/۱)

جابری دانستن روایات را مفید، اما محدود کردن خویش به روایات را نامطلوب معرفی می‌کند. در نگاه او نص سوره در تشخیص مکی و مدنی بودن سوره‌ها پراهمیت است، نه روایات و یا صحت سند روایات و برابر سازی سوره با روایات، به خصوص اینکه بر اساس آیه ۸۲ سوره نساء، اختلاف در قرآن نفی شده است. (۲۶۴/۳)

ج) آیات

آیات سوره از دیگر نشانه‌هایی است که نویسنده فهم القرآن برای تعیین جایگاه سوره‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد.

نمونه اول: آیه شریفه ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزمّل/۴) نشان از آن دارد که سوره مزمّل سومین سوره نازل شده بر پیامبر نیست، چه اینکه عبارت یاد شده اقتضا دارد که مقداری از قرآن نازل شده باشد که برای ترتیل در شب یا بخشی از شب کفایت کند.



نمونه دوم: آیه شریفه ﴿فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ﴾ (مائده/۵۲) ناظر به صلح حدیبیه است و سوره مائده در سال هفتم و درست پس از صلح حدیبیه فرود آمده است.

هم ایشان دو آیه نخست سوره مائده را ناسازگار با نزول سوره مائده در سال حجة الوداع می خواند و قسمت دوم آیه دوم را اشاره به صلح حدیبیه و شعائر عمرة القضا می داند، نه حجة الوداع. او در تفسیر آیات نخست سوره مائده می نویسد: «ولا يَجْرِمَنَّكُمْ (يحملنكم) شَنَّان (بغض) قَوْمٍ (بسبب) أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (فی واقعة الحدیبیه) أَنْ تَعْتَدُوا (عليهم انتقاما) و (بدلا من ذلك) تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ولا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». (۳/۳۵۲)

د) سیاق

در جای جای تفسیر فهم القرآن سیاق آیات در خدمت تعیین جایگاه سوره و آیات قرار گرفته است.

نمونه نخست: جایگاه سوره عادیات بر اساس سیاق سوره های قبلی تعیین می شود؛ «از آن جهت که این سوره در سیاق سور قبلی قرار می گیرد، این سوره را در این جایگاه قرار دادیم.» (۱/۶۳)

نمونه دوم: در تعیین جایگاه سوره ماعون از سیاق استفاده شده و مدنی بودن تمامی سوره یا بخشی از سوره مردود خوانده شده است. (۱/۷۰)

نمونه سوم: سوره فیل به قرینه سیاق متصل به سوره کافرون قرار داده شده است. (۱/۷۵)

نمونه چهارم: نزول آیه ﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾ و ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ با توجه به سیاق در حجة الوداع رخ نداده است. (۳/۳۵۴)

نمونه پنجم: قرار گرفتن سوره مدثر به عنوان دومین سوره قرآن و ناهمخوانی محتوای سوره قلم و مزمل دلیل اصلی مخالفت جابری با ترتیب مورد نظر مفسران

است. به باور جابری اگر سوره قلم دومین سوره و سوره مزمل سومین سوره قرآن شناخته شود، در این صورت همخوانی میان سوره نخست و سوره دوم و سوم وجود نخواهد داشت، چه اینکه دو سوره قلم و مزمل در رد بر منکرین نبوت پیامبر است، در صورتی که سوره نخست که سوره علق خوانده می‌شود، به هیچ روی در این مقام نیست.

هـ) حجم و اسلوب آیات

یکی از ملاک‌های شناخت سوره‌های نخست قرآن کوتاهی سوره‌ها و آیات آنهاست. (۲۳/۱) برای نمونه در تعیین جایگاه سوره مزمل و قلم مضمون این دو سوره، شکل خطاب و حجم آیات مورد توجه جابری قرار می‌گیرد:

«و وفقاً لهذه الروايات الثلاث تكون هذه السورة قد نزلت في المرحلة التي تتحرك فيها فعلا، و تكون الرتبة الثالثة في ترتيب النزول مناسبة لها.» (۳۸/۱)

چنان که در مرتب سازی سوره فلق و ناس، حجم و اسلوب دو سوره از دلایل مکی بودن معرفی شده است. (۷۶/۱)

و) موضوع و مضمون سوره

موضوع سوره یکی دیگر از ملاک‌های جابری برای شناسایی جایگاه سوره است. برای نمونه سوره ماعون با توجه به مضمون آن در شمار سوره‌های مکی قرار گرفته است. هم ایشان حرف عطف را دلیل پیوند قسمت اول و دوم سوره ماعون خوانده و مراد از «صلاة» و «زکات» را صلات و زکات اصطلاحی نمی‌داند تا عده‌ای با استناد به آنها از مدنی بودن سوره سخن گویند. (۷۱-۷۰/۱)

البته جابری اسلوب و مضمون را ملاک کافی برای مکی بودن یا مدنی بودن سوره نمی‌بیند، بلکه بر این باور است که باید دیگر شرایط نیز در تعیین سوره‌های مکی و مدنی مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه برخی مضمون و اسلوب آیات نخست یا به تعبیر جابری مقدماتی سوره حدید را دلیل مکی بودن این سوره می‌شناسند. جابری در برابر این عده می‌گوید:

«ولكن اذا نحن اعتبرنا ما يتبع مقدمات كثير من السور المكية والمدنية من كون



کثیر منها تأتي في صيغة الدعاء، او في صيغة الافتتاح بالتأكيد على ثوابت العقيدة، سهل علينا تجاوز القول بأنها مكية.» (۲۵۸/۳)

جابری مکی بودن سوره حدید را برنمی‌تابد و نظریه مکی بودن را حدس و گمان معرفی می‌کند.

ز) حقایق و رخدادهای عصر نزول

جابری در مرتب سازی سوره‌های قرآن بر برابر سازی مراحل دعوت و نزول هر چند به صورت نسبی و نه مطلق تأکید دارد، تا آنجا که ترتیب سوره‌ها را منطقی می‌شناسد. (۱۷/۱) در نظرگاه او ارتباط و تطابق مراحل نزول بر مراحل دعوت، امکان شناخت سوره‌های مکی و مدنی را فراهم می‌سازد. (۳۶/۳)

نمونه اول: در مرتب سازی سوره مدثر از همخوانی سوره با حقایق و واقعیت‌ها سود برده و سوره مدثر را دومین سوره قرآن معرفی می‌کند.

نمونه دوم: در تعیین جایگاه سوره انفال از رخدادهای عصر نزول بهره می‌گیرد. جنگ بدر در نیمه سال دوم هجری و دو ماه پس از تغییر قبله از بیت المقدس به مکه رخ داده است، بنابراین سوره انفال که ناظر به این ماجراست، در سال دوم فرود آمده است. (۱۱۵/۳)

نمونه سوم: جابری اشاره سوره آل عمران به جنگ بدر و جنگ احد را که در سال سوم اتفاق افتاده، مؤید ترتیب نزول و تعیین زمان نزول این سوره معرفی می‌کند. (۱۳۴/۳)

نمونه چهارم: در بحث تاریخ نزول سوره نور از وقایع تاریخی بهره می‌برد. در این سوره قصه افک آمده است و چون این قصه در جنگ بنی مصطلق رخ داده است و از آن سو جنگ بنی مصطلق در سال ششم اتفاق افتاده، نزول سوره نور در اواخر سال ششم و پیش از صلح حدیبیه را نتیجه می‌گیرد. (۲۸۷/۳)

نمونه پنجم: نزول آیات نخست سوره مائده در حجة الوداع را برنمی‌تابد. در نگاه جابری نظریه یاد شده اقتضا دارد که سوره مائده پس از سوره نصر یعنی فتح مکه فرود آمده باشد، نه سال دهم و در حجة الوداع. (۳۵۴/۳)

ح) روایات

یکی دیگر از منابع نویسنده فهم القرآن در تعیین جایگاه سوره‌های قرآن، روایات است. برای نمونه در تعیین جایگاه سوره مزمل از روایت عایشه سود برده شده و همراهی عایشه با پیامبر به هنگام نزول قرآن، دلیل نزول این سوره در مدینه معرفی شده است. (۳۱/۱) همچنین جایگاه سوره حدید با توجه به روایات مشخص شده است؛

«و يفهم من بعض الروایات انها نزلت على الارحج في السنة الرابعة او الخامسة للهجرة.» (۲۵۷/۳)

ط) نوع خطاب آیات

یکی دیگر از معیارهای جابری در مرتب سازی سوره‌های قرآن نوع خطاب است. به باور او سوره‌هایی که خطاب به پیامبر است یا در دفاع از پیامبر و زندگی آن حضرت فرود آمده است، مدنی شناخته می‌شود. (۲۳/۱)

ی) نوع کلمات

یکی دیگر از معیارهای جابری برای شناخت سوره‌ها نوع کلماتی است که در سوره به کار رفته است. برای نمونه کاربرد بسیار کلمه «رب» یکی از ملاک‌های جابری برای تعیین سوره‌های مرحله نخست مکی است. در نگاه او کلمه «الله» برای نخستین بار در سوره اخلاص که بیست و دومین سوره قرآن است به کار رفته است، اما در سوره‌های قبلی کلمه «رب» به کار رفته است. (۲۳/۱)

روش شناسی جابری

جابری سوره‌های مکی را به دو دسته تقسیم می‌کند و برای هر دسته یک یا چند محور اصلی قرار می‌دهد. او در تفسیر هر سوره توجه بسیار به مباحث مهم و اصلی سوره دارد و بر اساس موضوعات اصلی، تفسیر خویش را به سرانجام می‌رساند. برای نمونه در تفسیر سوره اعلی سه محتوا بیان می‌شود: محتوای اول در ربوبیت، محتوای دوم در نبوت و محتوای سوم در معاد.



آیات نخست سوره ناظر به ربوبیت است و مخاطب آنها پیامبر. در این آیات پیامبر به بزرگ داشتن آفریدگار هستی و نظم آفرین جهان و ... فرا خوانده شده است.

آیات دسته دوم بر محور نبوت قرار گرفته؛ از خواندن قرآن بر پیامبر و فراموش نکردن آیات سخن گفته شده، تذکر به مردم از پیامبر خواسته شده و آن حضرت به تبلیغ رسالت خویش دعوت شده است.

آیات دسته سوم از موضع گیری مردم در برابر پیامبران می گوید؛ مردم را به دو دسته مؤمن و کافر تقسیم می کند، مؤمنان را اهل بهشت و کافران را شقی و سزاوار جهنم معرفی می کند. (۴۴/۱)

جابری در تفسیر آیات از یک سو به واقعیتها و رخدادها و از سوی دیگر به سیره توجه دارد. بر این اساس در تفسیر سوره «ص» که نخستین سوره مرحله سوم است، نخست به شکل ظاهری سوره‌ها و اینکه سوره‌ها از کم حجم و تقریباً مسجع شروع می شود و به سوره‌های بلند می رسد، اشاره می کند و آن گاه از تغییر مضمون برابر با نیازها و واقعیت‌های عصر نزول می گوید.

بستر نزول نه تنها در تفسیر آیات، بلکه در نقد نظریات مخالفان نیز کاربرد دارد. برای نمونه تفسیر «الْمُدَّثِّرُ» به «اللابس لباس النبوه» و همچنین «ثیابک فطهر» به «تطهیر نفسه» را بر نمی تابد و این دو تفسیر را با حقایق تاریخی ناسازگار می شناسد. (۳۴/۱)

هم ایشان نظریه آنان که مراد از «العصر» را نماز عصر می شناسند بر نمی تابد و در نقد آن از بستر نزول سود می برد (۶۱/۱). چنان که تفسیر زمخشری، واحدی و فخر رازی از سوره بینه را با بستر نزول ناسازگار معرفی می کند. (۲۷۷/۳)

در مرحله بعد، از تطابق سیره با واقعیتها و هماهنگی محتوای سوره و سیره می گوید و بیشتر تفسیر سوره به سیره و سیره به سوره را دنبال می کند.

جابری به زیبایی تمام سوره‌های مکی را به موضوعات اصلی این سوره پیوند می دهد. برای نمونه در تفسیر سوره عبس، سه اصل اعتقادی را از برخورد پیامبر با نابینا نتیجه می گیرد:

در اصل اول از اهمیت برقراری عدل و مساوات توسط پیامبر می‌گوید و ارتباط نبوت با مسائل اجتماعی را تبیین می‌کند.

اصل دوم ناظر به توحید و تبیین این نکته است که اسباب بی‌نیازی از سوی خداست.

اصل سوم ناظر به بحث معاد است و از بهشت و دوزخ یا همان سعادت و شقاوت می‌گوید. (۱۰۸/۱)

ترتیب مصحف

به باور جابری ترتیب قرآن موجود همان ترتیبی است که در قرآن جمع‌آوری شده در عصر عثمان وجود داشت، اما اینکه گروه جمع‌آوری کننده قرآن بر چه اساسی قرآن را مرتب کردند، مشخص نیست. اما آنچه از قرآن موجود می‌توان نتیجه گرفت، اینکه قرآن بر اساس مقدار آیات هر سوره مرتب شده است. سوره‌هایی که تعداد آیات آنها بسیار است اول قرار گرفته و سوره‌هایی که تعداد آیات کمتری دارد، به ترتیب در قسمت‌هایی بعدی قرار گرفته است، هر چند در این میان استثنا وجود دارد.

در نگاه جابری سوره‌های قرآن بر اساس اصناف سوره‌ها دسته بندی شده است. سوره‌های بلند در ابتدای قرآن، سوره‌های مثنون بعد از سوره‌های بلند، سوره‌های مثنای بعد از مثنون و سوره‌های مفصلات پس از سوره‌های مثنای آمده است.

پی‌نوشت:

۱. مقصود جابری از اصالت نص، همان نص قرآن نیست، چه اینکه او معتقد است که قرآن موجود همان قرآنی است که بر پیامبر نازل شده و در عصر عثمان جمع‌آوری شده است، بلکه مراد او از اصالت نص قرآن، متن قرآن با قطع نظر از تفاسیر مختلف و ایدئولوژی شده است.